

میثاق حرفه‌ای و کلاء و ضمانت اجرای تخلف از آن از دیدگاه شرع و قانون

مرتضی چیت‌سازیان^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۷)

چکیده

وکلائی دادگستری، به‌عنوان سرپازان عدالت، نقشی حیاتی در صیانت از قانون در جامعه ایفا می‌کنند. وکیل با وجدان خود تعهد می‌بندد که از مسیر فطرت خارج نشود و با موکل میثاق می‌بندد که از او دفاع کند و نسبت به جماعت حقوقدانان و وکلا متعهد می‌شود که قانون را رعایت نماید و رفتار منصفانه را مدنظر قرار دهد. میثاق حرفه‌ای وکالت در واقع مجموعه بایدها و نبایدهایی است که وکیل نسبت به آن سوگند یاد کرده است و باید در صحنه عمل به کار ببندد تا از آسیب رساندن به حرفه وکالت جلوگیری شود. میثاق حرفه‌ای وکلاء، دامنه وسیعی از گزاره‌های اخلاقی خاص حرفه وکالت را در کنار اخلاق فردی شامل می‌شود. برخی از این گزاره‌ها مثل استقلال وکیل، ضمانت‌اجرای قانونی ندارد؛ اما برخی از گزاره‌ها دارای ضمانت اجرای قانونی هستند که از آن تعبیر به تخلفات انتظامی می‌کنند.

کلید واژه‌ها: اخلاق، تخلفات، حق، وکلاء

مقدمه

اخلاق حرفه‌ای (Professional Ethics) مجموعه‌ای از قوانین و آداب اخلاقی و رفتاری است که افراد صاحب حرفه در قبال حرفه خود باید رعایت کنند [۵، ۲۰۰۴، ص ۲۱]. اخلاق حرفه‌ای دامنه وسیعی دارد و همه مشاغل و حرف را دربر می‌گیرد. با وجود این عمومیتی که اخلاق حرفه‌ای دارد، اما هر حرفه‌ای، اخلاق ویژه خود را می‌طلبد گرچه دارای اشتراکات بنیادی در حوزه اخلاق فردی و اجتماعی است، وجوه ممیز میان حرفه‌ها از لحاظ اخلاق باعث شده‌است که صاحبان اصناف، اقدام به تدوین منشور اخلاق حرفه‌ای مستقلی کنند از جمله منشور اخلاقی مهندسان، منشور اخلاقی جراحان.

از جمله این حرفه‌ها، وکالت است. حرفه وکالت نقش مهمی در تحقق عدالت دارد به گونه‌ای که وکیل و قاضی به دو بال فرشته عدالت شهرت یافته‌اند. با توجه به نقش مهم وکلاء در تأمین عدالت، می‌توان گفت الزام‌آور شدن وکلاء نسبت به اخلاق حرفه‌ای، دوچندان می‌شود؛ چرا که از یک طرف، نقش حیاتی در تحقق عدالت دارد و از طرف دیگر وکیل می‌تواند نقش معلم و مربی را برای طرفین دعوا داشته باشد و آنها را نسبت به موازین عدالت و خطرات زیاده‌خواهی و ظلم، آگاه و تحذیر نماید.

اینک حرفه وکالت، بدون توجه به میثاق حرفه‌ای، به چولانگه مال و اخلاق تبدیل شده است. بسیار واقع می‌شود که این دو چهره باهم تعارض می‌کنند لذا وکیل در تنگنا قرار می‌گیرد که کدامین را مقدم بدارد.

اخلاق حرفه‌ای وکالت در دهه‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته به‌طوری که در دنیای غرب، مقالات و پژوهش‌های متعددی در این زمینه نگاشته شده‌است. اگرچه در کشور ما که ادعای بیشتر نسبت به اخلاقی بودن وجود دارد، کمتر مورد توجه قرار گرفته و متأسفانه موجب بدنامی حرفه وکالت در اذهان عمومی شده‌است. گرچه تدوین منشور اخلاق حرفه‌ای مصوب ۱۳۹۹/۴/۱۰ گامی ارزنده حساب می‌شود، اما دو مشکل عمده در این زمینه وجود دارد؛ یکی عملی‌سازی این منشور که امری است گران و سنگین و دیگری مشکل نظری؛ چرا که نظریه‌سازی در این زمینه صورت نگرفته است و حسب تفحص، پژوهش جامعی در این زمینه انجام نشده است.

سؤالات پژوهش

۱. مؤلفه‌های باورها و انگیزه‌های درونی وکیل چه باید باشد؟

۲. پیمان وکالت چگونه و با چه قواعد و اصولی تنظیم می‌شود؟
۳. چه موادی از قانون وکالت به میثاق وکلاء اشاره دارد؟ و چه مواردی باید به آن اضافه شود؟
۴. میثاق حرفه‌ای وکلاء شامل چه مصادیقی می‌شود؟ و وکلاء چه رفتاری را باید در عمل رعایت کنند؟
۵. برای تخلف از میثاق حرفه‌ای وکلاء چه ضمانت‌هایی وجود دارد و چه نهادی متکفل اجرای آن می‌باشد؟

۱- تعریف اخلاق حرفه‌ای وکالت

اخلاق حرفه‌ای وکالت در واقع مجموعه بایدها و نبایدهایی است که وکیل نسبت به آن سوگند یاد کرده است و باید در صحنه عمل، آن را به کار ببندد تا از آسیب رساندن به حرفه وکالت جلوگیری شود.

در اخلاق حرفه‌ای، همه اعمال وکیل زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد و جامعه از وکیل انتظار اعمال خلاف اجتماعی ندارد و به او به دید یک انسان متعهد نگاه می‌کند. به‌واقع اخلاق حرفه‌ای وکالت، به کار بستن اصول اخلاقی و سالم‌سازی محیط و رعایت ضرورت‌ها و نیازها و پیشگیری از آسیب رساندن به مجموعه است تا نهاد وکالت، قدرتمند و پرتوان کار خود را ادامه دهد.

اخلاق حرفه‌ای مبتنی بر آموزه‌های دینی است که به دنبال خود، مسئولیت می‌آورد لذا ارکان اخلاق حرفه‌ای را می‌توان در قالب توکل، تعهد، تدبیر، تخصص، تعامل، رعایت حقوق در نظر گرفت.

۲- مصادیق اخلاق حرفه‌ای وکلاء

اخلاق حرفه‌ای وکلاء در موارد متعددی متجلی می‌شود از جمله: رابطه وکیل با موکل، رابطه وکیل با همکاران، رابطه وکیل با محاکم قضایی.

۲-۱- استقلال وکیل

«وکیل باید مستقل باشد»، گاهی بدین معناست که استقلال و خودمختار در برابر حاکمیت و قدرت سیاسی حاکم بر جامعه و مصونیت از مداخله نابه‌جای هر مرجع قدرتی در جامعه باشد [۴، ص ۱]. منشور اخلاق حرفه‌ای مصوب ۱۳۹۹/۴/۱۰ مستقل

بودن را جزء اصول اساسی حرفه وکالت در نظر گرفته و مقرر می‌دارد: «استقلال وکیل دادگستری تضمین‌کننده دادرسی منصفانه است. وکیل دادگستری باید آزادانه و بدون بیم و هراس از اعمال هرگونه فشار، در چارچوب قوانین و مقررات از حقوق و منافع موکل دفاع کند. از این رو، اجرای عدالت و پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی اشخاص با استقلال وکیل پیوندی ناگسستنی دارد.

وکیل باید از هر اقدامی که موجب صدمه به استقلال او می‌شود بپرهیزد و مراقبت کند که اخلاق حرفه‌ای وکالت را هیچگاه زیر پا نگذارد. اگر مشاوره وکیل صرفاً برای خوشایند مراجعه‌کننده، حفظ منافع شخصی وکیل یا ناشی از فشارهای بیرونی باشد و در آن‌ها اخلاق حرفه‌ای رعایت نشود، هیچ‌گونه ارزشی ندارد. نشان دادن و دفاع از ارزش اجتماعی و صنفی استقلال کانون وکلای دادگستری و استقلال وکیل دادگستری وظیفه هر وکیل است».

همچنان که بند شماره چهار مقررات رفتاری بین‌المللی که توسط کانون وکلای بین‌المللی منتشر گشته، بدان تصریح کرده و مقرر می‌دارد: «وکلا باید استقلال خود را در ادای وظایف حرفه‌ای حفظ کنند، وکلایی که به تنهایی و یا گروهی (در جایی که مجاز است) فعالیت می‌نمایند، باید از اشتغال و یا تجارت دیگری که ممکن است به استقلال آنان خدشه وارد آورد احتراز نمایند».

استقلال وکیل گاهی نیز به معنای مستقل بودن در مواردی غیر از معنای مذکور است مثلاً وی می‌تواند قبول یا رد وکالت کند. به عبارت دیگر وی به حسب اراده می‌تواند وکالت پرونده‌ای را قبول کند یا رد کند. گرچه به حسب اخلاق حرفه‌ای در مورد کسانی که نیاز به مساعدت قضائی دارند، قبول کند. همچنین وی در اصول و تشریفات دادرسی، نحوه اقامه دعوا و صلاحیت مراجع، مستقل است. همچنین وی می‌تواند قرارداد وکالت را فسخ کند گرچه فسخ قرارداد، مقید به خصوصیتی است از جمله اینکه در زمانی نباشد که به وی ضرری برساند و یا اینکه دلیل مشروعی نسبت به این موضوع داشته باشد [۹، ص ۹۰].

در اینجا مستقل بودن به معنای اخیر است نه به معنایی که مستقل از مراجع قدرت باشد گرچه این معنا از استقلال نیز اصلی پذیرفته شده است.

همچنین وکیل در برابر موکل نیز دارای استقلال است. این استقلال بدین معناست که وکیل با اینکه حق الوکاله عمل خود را از موکل دریافت می‌کند، اما اجیر وی نیست؛ بلکه

اجیر عدالت است و عامل قانون. بنابراین در تعارض منافع موکل با اصول مسلم اخلاقی و حقوقی، وی موظف نیست به هر قیمتی خواسته‌های موکل را جامه عمل بپوشاند.

۲-۲- افشا نکردن اسرار موکل

افشا نکردن اسرار وکالت، یکی دیگر از اصول اخلاقی است که کانون وکلاء بدان تصریح کرده است. بند پنج مقررات رفتار بین‌المللی بیان می‌دارد: «به جز جایی که در آن، قانون و یا عرف به شکل دیگری مقرر کرده، هر گونه ارتباط شفاهی و یا کتبی بین وکلا در خصوص مسائل مرتبط با پرونده باید همراه با امانت‌داری و رازداری باشد مگر اینکه از سوی موکل، وعده و یا اقراری مشخص در آن وجود داشته باشد».

همچنان که منشور اخلاق حرفه‌ای وکالت، حفظ اسرار را به عنوان یک اصل پذیرفته و مقرر می‌دارد: «حرفه وکالت ایجاب می‌کند که وکیل، حافظ اسرار مراجعه کنندگان باشد». حفظ اسرار حرفه‌ای، حق موکل و تکلیف اساسی وکیل است.

حفظ اسرار حرفه‌ای، مربوط به اطلاعات محرمانه‌ای است که وکیل در چارچوب فعالیت حرفه‌ای خود از آن‌ها آگاه می‌شود. این تعهد، مقید به زمان خاصی نیست و وکیل باید پرسنل، همکاران و کلیه اشخاصی را هم که با او در ارتباط هستند ملزم به حفظ اسرار حرفه‌ای کند. در صورتی که بعداً وکیل، وکالت شخصی را علیه موکل پیشینش در موضوع دیگری برعهده بگیرد، حفظ اسرار حرفه‌ای وی الزامی است».

حفظ اسرار و رازداری در دین اسلام، یکی از اصول محکم اخلاقی است و در آیات و روایات متعدد بدان تصریح شده است. از جمله آیاتی که بر رازداری در آن تأکید شده است، به شرح ذیل است: رازداری در روایات نیز مورد تأکید واقع شده است. از جمله این روایات به شرح ذیل است:

۱- رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «الحديث بینکم أمانة» سخن بینتان امانت است [۱۴، ج ۵، ص ۲۳۷].

۲- امیر المومنین (ع) می‌فرمایند: «لا تُودِعُ سِرِّكَ إِلَّا عِنْدَ كُلِّ ثِقَّةٍ» راز خود را جز به کسی که مورد اعتماد است مسپار [۱۶، ج ۷۷، ص ۲۳۵].

روایات در این زمینه بسیار زیاد است. این روایات از یک طرف، آفات افشای اسرار را بیان کرده و از طرف دیگر، این صفت از اوصاف اشخاص عاقل به شماره آورده شده است.

۲-۳- صدافت و درستکاری

وکیل باید در کارهای خود صدافت را پیشه کار خود قرار دهد و نباید مرتکب دورغ شود. اصل دوم منشور اخلاق حرفه‌ای وکالت مقرر می‌دارد: «صدافت و امانت‌داری از اصول اساسی و مهم هستند که در حرفه وکالت باعث ماندگاری و پایداری نام وکیل خواهند شد. وکیل دادگستری باید در رفتار و گفتار خود صادقانه عمل کند و از بیان امور خلاف واقع بپرهیزد. بیان خلاف واقع، مغایر با اخلاق حرفه‌ای وکالت و شأن و جایگاه وکیل در جامعه است. شرافت وکیل، وثیقه سوگند وکالت است و از این رو، پایبندی و توجه دقیق به ارزش‌ها و اخلاق حرفه‌ای از ویژگی‌های یک وکیل شریف است». همچنان که بند ۱۰ مقرر می‌دارد: «وکلا باید خدمات حقوقی خود را در همه حال، صادقانه و با وسواس و دقت و سعی و کوشش وافر به موکلین خود ارائه دهند. همچنین این امر در خصوص وکلای معاضدتی نیز صادق است. وکلا باید در هر زمان برای کناره‌گیری از دفاع در پرونده آزاد باشند مگر اینکه توسط یک مرجع صالح، پرونده به آنها ارجاع شده باشد. وکلا باید تنها به معاذیر موجه از ادامه دفاع در پرونده انصراف دهند و تا آنجایی که ممکن است باید به شیوه‌ای باشد که منافع موکل از آن، تأثیرات منفی نپذیرد. دفاع شایسته و استوار از پرونده نباید هرگز به تبع منافع یا امتیازات موکل موجب خروج وکیل از دفاع صادقانه شود».

مسئله صدافت و راستگویی از فضایل اخلاقی است و به تبع، دروغ‌گویی از رذایل اخلاقی است و عقلای عالم بر قبیح بودن آن اتفاق نظر دارند. صدافت و راستگویی مورد اهتمام مؤکد آیات و روایات است.

از جمله آیاتی که در این زمینه به صراحت یا به‌طور ضمنی، دروغ‌گویی را نفی کرده است، عبارت‌اند از:

۱- آیه ۲ و ۳ سوره مبارکه صف: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟ این عمل که سخن بگویید و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می‌آورد.

۲- آیه ۱۰۵ سوره نحل: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ» دروغ را آن کسانی به خدا می‌بندند که ایمان به آیات خدا ندارند و این کافران البته خود مردمی دروغگویند.

- در روایات نیز موارد متعددی از سخنان حضرات معصومین (علیهم السلام) وارد شده است که دروغ را جایز نشمردند. از جمله این روایات:
- ۱- از امیرالمومنین (علیه السلام) وارد شده است: **أَلْكَذِبُ عَيْبٌ فَاضِحٌ؛** دروغ عیبی رسواکننده است [۵، ج ۱، ص ۳۷].
 - ۲- از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل شده است: **«ما كَذَبَ عَاقِلٌ و لا زَنَى مُؤْمِنٌ»** هیچ عاقلی دروغ نمی گوید؛ و هیچ مؤمنی زنا نمی کند [۱۵، ج ۱، ص ۴۷۶].
 - ۳- از پیامبر اسلام (صلی الله علیه) روایت شده است: **«إِيَّاكُمْ و الكَذِبَ، فَإِنَّهُ مَعَ الْفُجُورِ، و هُمَا فِي النَّارِ»** از دروغ بپرهیزید؛ زیرا دروغ توأم با فجور (انحراف از حق) است و هر دو در آتشند [۱۷، ج ۱۰، ص ۵۸].
 - ۴- از پیامبر اسلام (صلی الله علیه) روایت شده است: **«أَرَبَى الرَّبَّا الكَذِبُ»** بدترین ربا، دروغ است [۱۷، ج ۱۰، ص ۵۸].
 - ۵- از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله الطاهرین) روایت شده است: **إِنَّ الكَذِبَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النِّفَاقِ؛** دروغ، دری از درهای نفاق است [۱۷، ج ۱۰، ص ۵۸].
- با استناد به این آیات و روایات است که فتوا به حرمت دروغ داده‌اند؛ گرچه در موارد استثنایی مجوز برخی از دروغ‌ها داده شده است.

۲-۴- صراحت در ارائه اطلاعات لازم

وکیل باید اطلاعات لازم را با موکل در میان بگذارد و سیر جریان پرونده را به طور شفاف و بدون هیچ ابهامی به وکیل خود انتقال دهد. از جمله اینکه نتیجه قابل تضمین نیست؛ حق الوکالة به طور واضح روشن شود؛ مفاد قرارداد به گونه‌ای تنظیم شود که ابهامی نداشته باشد. به طور کلی هر اطلاعاتی که لازم است موکل بداند باید با او در میان بگذارد.

مسئله صراحت در مواد متعدد منشور اخلاق حرفه‌ای وکالت به روشنی یا به طور ضمنی مورد تأکید واقع شده است. در بند دو ماده ۲ منشور مذکور آمده است: «لازم است وکیل در راستای حصول به اهداف حقوقی موردنظر، موکل را از راهکارهای قانونی آگاه سازد و در به‌کارگیری شیوه‌های حل و فصل اختلاف، غبطه موکل را در چارچوب مقررات قانونی رعایت کند، لیکن در سایر موارد همچون اصول و تشریفات دادرسی، نحوه اقامه دعوا و صلاحیت مراجع بر اساس دانش و تخصص خود رفتار کند».

همچنین در بند چهار همان ماده آمده است: «وکیل باید از پذیرش دعاوی واهی که

علت و انگیزه آن اطالۀ دادرسی است یا به قصد ایذای طرف مقابل طرح می‌شود، خودداری کند». در این بند به‌طور مصداقی بیان داشته که به‌طور مشخص و صریح باید با موکل خود در میان بگذرد که این دعوا نتیجه دربردارد یا نه.

همچنان که در بند ۵ به‌طور صریح آمده است: «شایسته است وکیل هنگام تنظیم قرارداد وکالت، موکل را از مفاهیم و اصطلاحات تخصصی موجود در آن آگاه کند».

در رابطه با اصل صراحت بند ۱۵ قانون مقررات رفتاری بین‌المللی IBA مقرر می‌دارد: «در مسائل مالی وکلا باید بسیار دقیق و سخت کوش باشند. آنها هرگز نباید مال دیگران را با سرمایه خود ممزوج نماید و آنها باید در هر زمانی قادر به بازپرداخت پولی که در نزد آنان توسط دیگران سپرده شده، باشند. آنها نباید پولی که متعلق به موکلین است بیش از زمان متعارف و مورد نیاز در نزد خود نگه دارند».

مسئله ارائه اطلاعات، دارای پیشینه قوی است. به‌عنوان مثال، غش در معامله حرام است. غش در لغت به معنای به معنای نیرنگ و فریب آمده است. در اصطلاح بدین معناست که صاحب مال، کم‌فروشی کند یا کالای مرغوب را با کالای نامرغوب مخلوط کند [۳، ج ۱، ص ۲۷۵].

غش از گناهان کبیره است و در روایات متعددی از آن نهی شده است از جمله:
 ۱- از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده شده: «ایاک وَالْغَشَّ فَإِنَّهُ مِنْ غَشِّ، غُشٍّ فِي مَالِهِ» از غش دوری کن زیرا هرکس در حق دیگران خیانت و غش کند در مال خودش نیز خیانت و غش می‌شود [۶، ج ۹، ص ۲۸۱].

۲- از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است: «لَيْسَ مِنْ مَنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَا كَرَهُ» از ما نیست کسی که در حق مسلمانی خیانت کند یا به او زیانی وارد سازد یا به او نیرنگ بزند [۶، ج ۱۲، ص ۲۱۱].

یکی از مواردی که از مصداق ارائه اطلاعات است، حرمت تدلیس است. در تعریف تدلیس آورده‌اند: تدلیس آن است که یکی از دو طرف عقد، کارهای فریبنده و نیرنگ آمیز انجام دهد، یا این کارها با آگاهی او صورت گیرد، و به سبب آن کارها، کالای مورد معامله یا شخص طرف عقد، فاقد عیب یا نقص موجود یا واجد کمال غیرموجود نمایانده شود و با اغوای طرف دیگر عقد، وی به انعقاد آن برانگیخته شود [۸، ج ۴، ص ۲۱۸].

واضح است که حرمت تدلیس، منحصر در معاملات کالا و اشیاء خارجی نیست؛ بلکه هر عملی که موجب شود یکی از دو طرف قرارداد به موجب آن، متحمل ضرری شود،

غش محسوب می‌شود. بنابراین اگر وکیل برای جلب نظر موکل، دست به هر اقدامی بزند و با دادن وعده‌های واهی، وکالت وی را برعهده بگیرد و در نهایت به جهت عدم توان لازم و دفاع شایسته، از احقاق حق موکل خود عاجز باشد، علاوه بر اینکه مستحق حق الوکاله نخواهد بود باید از عهده خسارات وارده هم برآید.

یکی دیگر از مواردی که در آن بحث ارائه اطلاعات آمده است، نجش است. نجش یعنی اجیر کردن شخصی برای اینکه هنگام مراجعه مشتری به دروغ خود را مشتری وانمود کند و موجب بالا رفتن قیمت کالا شود [۱۳، ج ۲، ص ۱۵۹].

در این زمینه نیز از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: نهی (صلی الله علیه و آله) عن النجش [۱۹، ج ۴، ص ۷۹].

موارد متعددی در فقه می‌توان یافت که ارائه اطلاعات را لازم دانسته و از کتمان آن نهی شده است. با توجه به این مصادیق و با استفاده از تنقیح مناط و الغای خصوصیت می‌توان یک قاعده کلی از آن ارائه کرد و آن عبارت است از «الزام به ارائه اطلاعات لازم».

۲-۵- وفاداری و مسئولیت‌پذیری

بند سه منشور اخلاق حرفه‌ای مقرر می‌دارد: «وکیل باید به سوگند وکالت خود پایبند باشد و همچنین با احساس مسئولیت کامل و وفاداری، در انجام تکالیف حرفه‌ای بکوشد». همچنان که قسمت اخیر بند ۱۰ مقررات رفتاری بین‌المللی IBA مقرر می‌دارد: «وکلا باید تنها به معاذیر موجه از ادامه دفاع در پرونده انصراف دهند و تا آنجایی که ممکن است باید به شیوه‌ای باشد که منافع موکل از آن، تأثیرات منفی نپذیرد».

وفاداری به پیمان و تعهدات، امری پسندیده‌ای است که بنای عقلاء بر آن استوار است. همچنین در موارد متعددی بندگان خود را به عمل به عهد فرا می‌خواند. در آیه ۲۰ سوره رعد آمده است: «الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ» آنها کسانی هستند که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند. همچنین در آیه ۱ سوره مائده آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها وفا کنید. کما اینکه در آیه ۳۴ سوره اسراء آمده است: «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا؛ به پیمان‌های خود وفادار باشید زیرا از پیمان‌ها سؤال خواهد شد». در آیه ۸ سوره مائده نیز بر عهد تأکید شده و می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ آنان (مؤمنین) به امانت و عهد و پیمان خود وفادارند».

دعوت به عمل به پیمان به قدری سفارش شده که حتی در مقابل دشمنان نیز خداوند متعال مسلمانان را دعوت به وفا به عهد می‌کند. به عنوان مثال در آیه ۱۲ سوره توبه می‌فرماید: «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ؛ اگر آنان پیمان های خود را شکستند و در آیین شما طعن زدند، سران کفر را بکشید. برای آنان پیمانی نیست. شاید آنان بپرهیزند.» به طوری که در آیه بعد دستور به نبرد با عهدشکنان می‌کند و می‌فرماید: أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ؛ چرا با گروه پیمان شکن نبرد نمی‌کنید».

آیات مذکور به خوبی ارزش والای عهد را روشن می‌سازد، بر انسان لازم است به حکم آیات به عهد خود وفا سازد. وفا به عهد در روایات مختلف نیز مورد تأکید واقع شده است:

۱- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: أَوْفُوا بِالْعَهْدِ، وَأَحْسِنُوا خُلُقًا، وَأَقْرَبُوا مِنَ النَّاسِ؛ نزدیکترین شما به من در موقف فردای قیامت، راست‌گوترین شما و امانداریترینتان و پایبندترین شما به عهد و پیمان و خوش‌خوترین شما و نزدیکترین شما به مردم است [۱۶، ج ۱۲، ص ۹۴].

۲- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُفِ إِذَا وَعَدَ؛ هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید هرگاه وعده می‌دهد [بدان] وفا کند [۱۶، ج ۷۷، ص ۱۴۹].

۳- امیرالمومنین (علیه السلام) فرموده‌اند: أَشْرَفُ الْخَلَائِقِ الْوَفَاءُ؛ عالی‌ترین خوی‌ها، وفاداری [به عهد و پیمان‌ها] است [۱۷، ج ۱۲، ص ۳۴۶].

۴- از امام سجاد (علیه السلام) روایت شده است: لَمَّا سُئِلَ عَنْ جَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ - قَوْلُ الْحَقِّ، وَ الْحُكْمُ بِالْعَدْلِ، وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ؛ در پاسخ به این سؤال که: چکیده شرایع دین چیست؟ فرمود: حق‌گویی، داوری عادلانه، و وفای به عهد [۱۷، ج ۱۳، ص ۳۴۸].

۵- از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت شده است: ثَلَاثَةٌ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِيهَا : أداء الأمانة إلى البرِّ و الفاجر، و الوفاء بالعهد للبرِّ و الفاجر، و برِّ الوالدین برِّین کانا أو فاجرین؛ سه چیز است که هیچ‌کس در آنها معذور نیست: برگرداندن امانت به نیک و بد، وفای به عهد با نیک و بد، و خوشرفتاری با پدر و مادر، خوب باشند یا بد [۱۷، ج ۱۳، ص ۳۴۸].

۲-۶- برخورد محترمانه

یکی دیگر از اصول اخلاقی وکالت، برخورد محترمانه و از روی حسن‌نیت است. وکیل

باید با خوشرویی تمام و از روی حسن با موکل، همکاران و محاکم قضایی برخورد کند. در این رابطه، بند دو ماده چهار منشور اخلاق حرفه‌ای وکالت مقرر می‌دارد: «شأن حرفه‌ی وکالت ایجاب می‌کند که وکیل در برابر موکل و طرف دعوا با حسن نیت و رعایت ادب و احترام رفتار کند و از غرض‌ورزی و مداخله در امور شخصی موکل و طرف دعوا بپرهیزد». بند ۴ مقررات رفتاری بین‌المللی IBA مقرر می‌دارد: «وکلا باید با همکاران حرفه‌ای خود با حداکثر حسن نیت و خوشرویی رفتار نمایند». وکلایی که با وکلای خارجی همکاری می‌کنند، باید در برخورد خود با آنها همانند همکاران داخلی، همیشه به نحوی عمل نمایند که همکار خارجی به آنها اعتماد کامل داشته باشد؛ بنابراین در این موارد، مسئولیت وی سنگین‌تر است، هم زمانی که مشاوره می‌دهند و هم هنگامی که پرونده‌ای را بر عهده دارند. به همین دلیل برای وکلا مناسب نیست در این رابطه پرونده‌ای را بپذیرند مگر اینکه آنها بتوانند آن را به سرعت و با شایستگی، بدون آنکه به پرونده‌های دیگری که دارند لطمه‌ای وارد شود، به انجام برسانند.

احترام به دیگران، خوش‌رویی و برخورد با حسن مورد سفارش آیات و روایات است. در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران در مورد خوش‌رویی می‌فرماید: *فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّضُوا مِنْ حَوْلِكَ*؛ به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند. این آیه نشان می‌دهد که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با خوش‌رویی مردم را گردهم آورده است. در آیه ۲ سوره مائده نیز لزوم مهربانی و عدم عداوت بر همدیگر سفارش شده است: *وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ*؛ و عداوت گروهی که از مسجد الحرام منتعان کردند شما را بر ظلم و بی‌عدالتی وادار نکند، و باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری. و از خدا بترسید که عقاب خدا سخت است».

روایات نیز سرشار از این آموزه‌هاست. در مورد حسن‌نیت و عدم سوظن، روایات ذیل وارد شده است:

در مورد اکرام و احترام نیز آمده است:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: *مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ*؛ کسی که برادر خود را گرامی دارد، در حقیقت خدا را گرامی داشته است [۱۷، ج ۱، ص ۹۹].

۲-۷- حق‌پذیری و اظهار آن

از آن جهت که هدف از دادرسی، تحقق عدالت و احقاق حق است، لذا وکیل بایستی حق را بگوید و آنچه حق است اظهار بدارد. بند ۵ ماده ۶ منشور اخلاق حرفه‌ای مقرر می‌دارد: «وکیل باید در اظهارات خود در مقابل قاضی و محکمه، صداقت داشته باشد و از انجام اموری که تنها موجب اطاله دادرسی می‌شوند و اثری در احقاق حق ندارد، بپرهیزد. چنانچه وکیل متوجه نادرستی در اظهارات گذشته خود به دادگاه شود، باید آن را تصحیح کند و همچنین از ارائه اطلاعات گمراه‌کننده و یا تشویق و راهنمایی موکل و یا شهود به بیان اظهارات خلاف واقع خودداری کند». قسمت اخیر بند ۶ مقررات بین‌المللی بر این نکته تأکید کرده و مقرر می‌دارد: «... وکلا هرگز نباید آگاهانه به دادگاه اطلاعات یا مشاوره نادرستی بر خلاف دانش حقوقی خود بدهند».

مسئله حق و اظهار حق نیز مورد توجه فراوان آیات قرآن و روایات بوده است. خداوند متعال در آیه ۴۲ سوره بقره می‌فرماید: «لَا تَلْسُؤُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و حق را با باطل نیامیزید، و حقیقت را با اینکه می‌دانید کتمان نکنید». در روایات متعدد نیز این امر مورد تأکید واقع شده است، از جمله: پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: من سئل عن علم يعلمه فکتّم لجم یوم القیامه بلجام من نار؛ هر گاه از کسی چیزی را که می‌داند سؤال کنند و او کتمان نماید، روز قیامت افساری از آتش بر دهان او خواهند زد [۱۲، ج ۱، ۲۴۰].

۲-۸- رعایت مصلحت موکل

رعایت مصلحت موکل یکی دیگر از گزاره‌های اخلاق حرفه‌ای است. این مسئله را ماده ۶۶۷ قانون مدنی نیز بر آن تأکید کرده است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید». فقها نیز به تناسب به تبع مصادیق این مسئله را پذیرفته‌اند.

۲-۹- تشویق به صلح و سازش

در قوانین متعدد نسبت به این مسئله تأکید شده است. بند ۳ ماده ۴ منشور اخلاق حرفه‌ای مقرر می‌دارد: «لازم است وکلای دادگستری پیش از طرح دعوا یا در اثنای آن، طرفین را به صلح و سازش دعوت کنند و هرگونه توافق و مذاکره با طرف دعوا را با اطلاع و رضایت موکل انجام دهند».

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: **إِنَّ أَفْضَلَ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ؛** اصلاح و سازش میان مسلمانان برای انسان بالاترین صدقه و احسان به شمار می‌آید. امیرالمومنین (علیه السلام) فرموده‌اند: **اصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ؛** اصلاح و سازش دادن میان مسلمانان از تمام نمازها و روزه‌های (مستحبی) بالاتر است (۲، نامه ۴۷).

۲-۱۰- الزامات قسم

سوگندنامه، عهدی است که وکیل با خدای خویش می‌بندد که مدافع حق باشد و راستی و درستی را پیشه سازد و به خاطر داشته باشد که اگر تخلف او در دنیا محرز نشود در محکمه اصلی مجازات خواهد شد. قسم‌نامه به نحوی تنظیم شده که به امور درونی و معنوی فرد برمی‌گردد. وثیقه بودن شرافت هم امری غیر مادی و قلبی است که قابل اعمال مجازات نیست و تنها خداوند متعال بر نیت و مقاصد آگاه است لذا وکیل بعد از قسم، پیوسته باید مراقب اعمال باشد و از امور خلاف وکالت بپرهیزد. در فقه، موارد تخلف از قسم تحت عنوان سنت قسم آمده است که کفاره و مجازاتهای خاص خود را دارد. سنت قسم، شکستن قسم و عدم وفای به آن است که نوعاً در روزه، ایلاء، نذر، عهد و وکالت گفته شده است. اگر سوگندنامه وکالت را عهد بگیریم، سنت قسم شامل این مورد هم می‌شود در باب کفارات، آزاد کردن برده، روزه گرفتن، اطعام فقیر از موارد کفاره برشمرده شده است.

۳- تخلف از میثاق وکلاء و ضمانت اجرای آن

۳-۱- مفهوم تخلف

تخلف به معنی باز ایستادن، باز ماندن، خلاف گفته و بیان عمل کردن، سرپیچی و رویگردانی [۱۸، ج ۱، ص ۴۵۶] و برخلاف امر مقرر عمل کردن است. در فقه و حقوق، به تجاوز از وضعیت مقرر قانونی، شرعی، عرفی و توافقی با عمل نکردن به مقتضای آن تخلف گویند [۱۱، ج ۱، ص ۶۴۹].

در همه نهادها و ارگان‌ها و اصناف همچون پزشکی، کارگری، وکلاء، سردفتران و... نظام‌های حقوقی وجود دارد که جهت حفظ منافع و حمایت اعضاء و نظام‌مند نمودن فعالیت‌هاست؛ قوانین و مقررات که مجازات‌هایی در نظر گرفته و جهت حفظ شئون

اعضا و منزلت و جایگاه شغلی و حرفه‌ای منصوب شده و دارای ضمانت‌های اجرایی است که از ظرف مراکز قانونی اعلام می‌شود.

حرفه و کالت نیز به مانند سایر وکلاء دارای قوانین و مقرراتی است که تخلف از آن موجب مسئولیت می‌شود که از آن به تخلفات انتظامی تعبیر می‌شود. به‌واقع رعایت نکردن این قوانین و مقررات، وکیل دادگستری را در معرض خطر قرار داده و پیامدهایی برای او ایجاد می‌کند. بعضی از پیامدها بر اثر رعایت نکردن نظامات مقرر توسط مرکز وکلا و کانون وکلا بروز می‌نماید و بعضی بر اثر عدم انجام وظایف حرفه‌ای صورت می‌گیرد و بعضی مخالف با شریعت محسوب شده و جرم تلقی می‌شود. وکیل موظف است به نحو شایسته تمام تعهدات خود را ایفا نماید و ملزم به قرارداد باشد و تخطی از قرارداد عواقب خاص خود را دارد.

میثاق حرفه‌ای وکلاء گرچه در حوزه اخلاق حرفه‌ای است و گزاره‌های اخلاقی ضمانت‌اجرای قانونی ندارند، با وجود این مطابق قوانین برخی از مصادیق آن از تخلفات انتظامی به حساب می‌آید و موجب مسئولیت می‌شود.

۲-۲- تخلف از میثاق

عدم التزام به الزامات حرفه‌ای نسبت به موکل، تحت شرایطی موجب مسئولیت مدنی خواهد شد. در این‌گونه موارد نیاز به اثبات یا احراز تقصیر وکیل (عمدی یا ناشی از بی‌احتیاطی) که در قانون مسولیت مدنی به عنوان شرط اساسی مسولیت مدنی پذیرفته شده است، نیست؛ بلکه صرفاً در صورتی که عدم رعایت الزامات قانونی مذکور از سوی وکیل باعث ورود ضرر و زیان به موکل شود، مسولیت مدنی وکیل را اثبات می‌کند. وکیلی که مقررات حرفه‌ای مربوط به وکالت و مفاد قرارداد فی ما بین با موکل را رعایت نکند و از این حیث، ضرری متوجه موکل و باعث تضییع حقوق وی شود، نمی‌تواند استناد کند که تعهد وی به وسیله بوده است و در برابر نتیجه، هیچ تضمینی نکرده است؛ زیرا این نوع توجیه در صورتی اخلاقی است که وکیل هیچ تخلفی از مقررات حرفه‌ای خود نکرده باشد و با تحلیل درست و اطمینان خاطر قانونی از پیشرفت کار، اقدام به پذیرش پرونده کرده باشد نیز تمامی ظرفیت علمی و پیگیری و نظارتی خود را نسبت به پرونده به کار برده باشد، اما بر اثر عوامل دیگری از جمله اختلاف استنباط حقوقی و قضایی از مقررات قانونی خارج از اراده وکیل، نتیجه مثبت برای موکل حاصل نشود.

به صراحت مواد ۲۳ و ۸۸ آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰، دادگاه انتظامی مرجع رسیدگی به تخلفات وکلاء می‌باشد که بر اساس مواد ۹۴ تا ۹۸ آن، دادستان انتظامی و معاونان وی در تمام کانون‌ها از میان وکلای پایه یک دارای شرایط عضویت در هیئت‌مدیره، توسط هیئت‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند. همچنین دادرسان دادگاه انتظامی اعم از دادرسان اصلی و علی‌البدل باید شرایط عضویت در هیئت‌مدیره را داشته باشند و برای مدت دو سال توسط هیئت‌مدیره کانون انتخاب می‌شوند. ضمن اینکه هر دادگاه انتظامی مرکب از سه وکیل به‌عنوان دادرس دادگاه است. دادگاه انتظامی ممکن است دارای شعب متعدد باشد؛ در این صورت، پرونده‌ها برای رسیدگی از طرف رئیس کانون به هر یک از شعب دادگاه ارجاع می‌شود. انتخاب دادستان انتظامی و معاونین و دادرسان از طرف هیئت‌مدیره به رأی مخفی و به اکثریت دوسوم اعضاء حاضر در جلسه به عمل می‌آید. اگر در بار اول اکثریت مذکور به دست نیاید، در مرتبه دوم اکثریت نسبی ملاک است. از بین دادرسان اصلی، کسی که سابقه وکالت او بیشتر است، سمت ریاست دادگاه انتظامی را دارد. در صورت تساوی سابقه وکالت، مسن‌ترین دادرس اصلی، سمت ریاست را خواهد داشت و در صورت تساوی سن و سابقه، دادرسان اصلی از بین خود، رئیس دادگاه انتظامی را تعیین می‌کنند و چنانچه وکیل با شکایت موکل خود در مرجع انتظامی به اتهام تخلف از الزامات حرفه‌ای مربوط به قوانین و نظامات وکالت محکومیت انتظامی بیابد و موکل، مدعی ورود خسارت و ضرر و زیان بر اثر تخلف وکیل باشد، جهت مطالبه ضرر و زیان می‌تواند به دادگاه مراجعه کند.

لزوم حفاظت و دفاع از شأن و جایگاه وکالت ایجاب می‌کند قوانین بازدارنده بتواند جلوی تخلفات را بگیرد. در این راستا دادستان انتظامی و دادیارها به شکایات رسیدگی می‌کنند و با صدور کیفرخواست جهت رسیدگی و صدور حکم به دادگاه انتظامی ارسال می‌شود. دادگاه انتظامی ضمن رسیدگی مبادرت به صدور حکم مقتضی می‌نماید، احکام صادره حسب مورد شامل: ۱- برائت ۲- حکم محکومیت انتظامی ۳- حکم تعلیق وکیل می‌شود.

تخلف از نظامات وکلا مستوجب مجازات انتظامی از درجه ۱ تا ۶ می‌باشد که بعضی مصادیق آن عبارتند از: انجام وکالت بدون تمديد پروانه، تجاهر به مسکر و مواد مخدر و مراوده در اماکن فساد، عدم حضور در جلسات دادگاه بدون عذر، افشاء اسرار وکالت و موارد دیگری که در قانون مندرج است. شایان ذکر است اجرای مجازات‌های انتظامی،

شش دسته می باشد. (۱) اخطار کتبی (۲) توبیخ با درج در پرونده (۳) توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون (۴) تنزل درجه (۵) ممنوعیت از سه ماه تا سه سال (۶) محرومیت دائم از شغل و کالت.

بعد از بیان مقدمات مذکور به بررسی مصدق‌ی تخلف از میثاق حرفه‌ای و کلاء پرداخته می‌شود تا بدین وسیله روشن گردد که عدم رعایت میثاق حرفه‌ای و کلاء چه مجازات‌هایی در پی دارد.

۱- افشای اسرار موکل؛

ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ در این رابطه مقرر می‌دارد: «وکیل باید اسراری که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید». به موجب این ماده، وکیل حق ندارد اسرار موکل را افشا کند و تخلف از آن در غیر موارد موجه به مجازات انتظامی درجه پنج (تعلیق از وکالت از سه ماه تا سه سال محکوم می‌شود. همچنان که با استناد به اطلاق ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند قابل تعقیب کیفری نیز است».

ماده ۳۰ قانون وکالت مقرر می‌دارد:

«وکیل باید اسراری را که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید».

طبیعی است که اعتبار قانون به داشتن ضمانت اجرای آن گره خورده است و هر قانونی یا لایحه‌ای که فاقد ضمانت اجرایی باشد، نوشته‌ای بیش نخواهد بود. مقرراتی که در میثاق حرفه‌ای و کلاء تقریر یافته است دارای ضمانت اجرایی هستند که با اعمال آنها در صورت تخلف یک وکیل، سایر وکلاء به همان سادگی جرأت سرپیچی از آن میثاق را به خود نخواهند داد. بنابراین آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال وکلای دادگستری برخی از این تخلفات را برشمرده و برای هر یک از آنها بنا به میزان تخلف وکیل، مجازات انتظامی از درجه ۱ تا ۶ لحاظ کرده است. به عنوان نمونه ماده ۱۲۵ آیین‌نامه مذکور در مقام بیان ضمانت اجرای عدم رعایت تعهدات مذکور، وکیلی را که به واسطه وکالت، از اسرار موکل مطلع شده

و آن را افشا نماید، مستحق مجازات انتظامی درجه ۵ دانسته است؛ اعم از این که اسرار مزبور مربوط به امر وکالت باشد یا مربوط به شرافت و حیثیت و اعتبار موکل. قابل ذکر است، اقامه دعوی علیه وکیلی که اسرار موکل خویش را فاش ساخته است، صرفاً مستند به حکم قانونی مذکور نیست؛ بلکه به نوبه خود از جهات دیگری نیز قابل تعقیب مدنی و کیفری است؛ همچنان که ماده ۱۴۴ آیین نامه ذکر شده به صراحت بیان می‌دارد: «تعقیب انتظامی، مانع از تعقیب کیفری یا طرح دعوای مدنی نیست». بنابراین علاوه بر این که وکیل از لحاظ اخلاقی ملزم به حفظ اسرار موکل است، از لحاظ حقوقی نیز موظف به رعایت این امر بوده، در صورت تخلف، مجازات می‌شود.

۲- خدعه و تدلیس

وکیل در برابر اشخاص ثالث، مقامات قضایی و همکاران خود دارای مسئولیت مدنی می‌باشد و در صورت تقصیر باید از عهده خسارت وارده برآید و نسبت به رعایت این اصول دقت کافی بنماید: «... ۶- صداقت در رفتار و گفتار و عدم استفاده از حيله و نیرنگ در پیشبرد امور وکالت».

بنابراین اگر وکیل در صورتی که خلاف واقع و خلاف قانون رفتار بکند، موجب مسئولیت مدنی می‌شود. مطابق ماده ۱۳۱ آیین‌نامه که مقرر می‌دارد: «وکیل نباید به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم برای رد قاضی، حکم و یا وکیل طرف مقابل و یا به‌منظور اطاله رسیدگی با تحقیقات، به‌وسیله خدعه آمیزی متوسل شود. متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم می‌شود».

۳- خیانت

اگر وکیل نسبت به موکل، مرتکب خیانت شود، به موجب ماده ۴۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ از شغل وکالت محروم می‌ماند. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالنتیجه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محروم خواهد شد و موکل می‌تواند خسارات وارده بر خود را از او مطالبه نماید». همچنان که ماده ۱۲۶ آیین نامه مقرر می‌دارد: «چنانچه ثابت شود با طرف موکل خود برای تضییع حق موکل تبانی کرده یا در موضوع پرونده خیانت دیگری نسبت به موکل مرتکب شده است به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم و پروانه وی ابطال خواهد شد».

۴- عدم رعایت مصلحت موکل

ماده ۶۷۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید». مصادیق متعددی در این رابطه وجود دارد از جمله مطابق ماده ۱۲۴ آیین‌نامه اگر وکیل به استناد حق صلح و سازش در مفاد وکالتنامه، خلاف مصلحت موکل عمل کند موجب محکومیت انتظامی درجه چهار می‌شود. همچنین ماده ۱۲۵ آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «بعد از استعفا یا عزل از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهت دیگر، وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث را در همان موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم‌مقام قانونی او قبول کند به مجازات انتظامی درجه ۶ می‌شود». فلسفه این بند را دقیقاً رعایت مصلحت موکل دانسته است.

مطابق ماده ۶۶۳ ق.م. وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد به این نحوه که اگر وکیل برای فروش خودروی پراید موکل اقدام به فروش خودروی پژوی موکل نماید عمل حقوقی انجام شده فروش مال غیر محسوب می‌شود.

بحث مهمی که در باره مسئولیت وکیل وجود دارد این است که طبق ماده ۶۶۷ ق.م. وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود، مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه که موکل به صراحت به او اختیار داده یا برحسب قرائن و عرف و عادت، داخل اختیار اوست تجاوز نکند.

همچنین وفق ماده ۶۶۶ ق.م. هرگاه از تقصیر وکیل، خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل، مسبب آن محسوب می‌شود، وی مسئول است.

ماده ۶۶۳ قانون مدنی حکم «عدم جواز خروج وکیل از حدود وکالت» را بیان کرده است. از طرفی وفق ماده ۶۶۷ قانون مدنی، وکیل ملزم است در کلیه اقدامات خویش، مصلحت موکل را رعایت کند؛ اما قانون مدنی ایران برخلاف قوانین مدنی برخی کشورها، در بیان حکم موردی که رعایت مصلحت موکل، مستلزم خروج از حدود وکالت باشد، یا تجاوز از حدود وکالت به لحاظ شرایط جدیدی که پیش آمده برای موکل سودمندتر از مواد معین شده قبلی در مفاد وکالت نامه باشد، ساکت است و از این جهت قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

در این بخش به اهم وظایف و تعهدات وکیل در برابر موکل و طرف دعوا اشاره می‌شود:

۱. وکیل باید غبطه موکل خود را حفظ کند. یعنی در اجرای مورد وکالت باید آنچه

- که عرفاً، قانوناً و عقلاً نیاز است را رعایت کند.
۲. وکیل مطابق قانون باید حساب دوره وکالت خود را به موکل ارائه نماید. یعنی باید تمام اقداماتی را که از طرف موکل خود انجام داده به موکل گزارش دهد.
 ۳. وکیل باید به سوگند وکالت خود پایبند باشد و همچنین با احساس مسئولیت کامل و وفاداری، در انجام تکالیف حرفه‌ای بکوشد.
 ۴. وکیل باید از پذیرش دعاوی واهی که علت و انگیزه آن اطلاع دادرسی است یا به قصد ایدای طرف مقابل طرح می شود، خودداری کند.
 ۵. وکیل حصول نتیجه مطلوب موکل در دعوا را نباید به طور صریح یا ضمنی تضمین کند.
 ۶. وکیل نباید خود را در نظر عموم دارای اختیارات موهوم، امکانات و اختیارات و اعمال نفوذ فراقانونی نزد مراجع قانونی جلوه دهد و از تظاهر دوستی با قضات و سایر اشخاص مسئول برای تشبث به وکالت نیز امتناع نماید.
 ۷. شأن حرفه وکالت ایجاب می کند که وکیل در برابر موکل و طرف دعوا با حسن نیت و رعایت ادب و احترام رفتار کند و از غرض‌ورزی و مداخله در امور شخصی موکل و طرف دعوا بپرهیزد.

نتیجه

- ۱- اخلاق حرفه‌ای وکالت عبارت است از به کار بستن اصول اخلاقی و سالم‌سازی محیط و رعایت ضرورت‌ها و نیازها و پیشگیری از آسیب رساندن به مجموعه، است، تا نهاد وکالت، قدرتمند و پرتوان کار خود را ادامه دهد.
- ۲- مصادیق اخلاق حرفه‌ای عبارت‌اند از: استقلال وکیل، افشا نکردن اسرار، صداقت و درستکاری، صراحت در ارائه اطلاعات لازم، وفاداری و مسئولیت‌پذیری، برخورد محترمانه، حق‌پذیری و اظهار آن، رعایت مصلح موکل، تشویق به صلح و سازش، پای‌بندی به قسم
- ۳- برخی از این گزاره‌ها مثل استقلال وکیل ضمانت‌اجرای قانونی ندارد و لکن برخی از گزاره‌ها دارای ضمانت اجرای قانونی هستند که از آن تعبیر به تخلفات انتظامی می‌کند. مواردی که مجازات انتظامی دارند، عبارت‌اند از: افشا نکردن اسرار وکالت، صداقت و درستکاری، وفاداری و امانت، رعایت مصلحت موکل.

منابع

- [١]. قرآن كريم.
- [٢]. نهج البلاغه.
- [٣]. انصاري، شيخ مرتضى (١٤١٥). المكاسب، ج ١، قم، المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري.
- [٤]. باقري، مصطفی؛ فضلي سمييه (١٣٩٣). «وكيل مستقل و استقلال كانون وكلا يا وكيل وابسته و حكومتی»، اولين همايش ملي وكالت، اخلاق، فقه و حقوق.
- [٥]. تميمي آمدی، عبد الواحد بن محمد (١٤١٠). غرر الحكم و درر الكلم، ج ١، قم، دارالكتاب الإسلامي.
- [٦]. حرعالمی، ابو جعفر (١٤٠٩). وسائل الشيعه، ج ٨، ج ٩، ج ١٢، ج ١٨، قم، آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
- [٧]. دراج، عمرو (٢٠٠٤). آداب مهنة الهندسه، قاهره، جامعه القاهرة.
- [٨]. زحيلي، وهبه (١٤١١). الفقه الاسلامي و ادلته، ج ٤، دمشق، دارالفكر.
- [٩]. سعيدان، علي (٢٠١٣). تنظيم مهنة المحاماه وأخلاقيات مهنة الحامات في الجزائر، جامعه.
- [١٠]. شيرازي، ابواسحاق (١٤١٠). المهذب في فقه الإمام الشافعي، ج ٢، بيروت، دار الكتب العلمية.
- [١١]. طاهري، محمدعلي؛ انصاري مسعود (١٣٨٤). دانشنامه حقوق خصوصي، ج ١، تهران، محراب فكر.
- [١٢]. طبرسي، امين الإسلام ابو علي فضل بن حسن (١٤١٥). مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ١، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- [١٣]. طوسي، شيخ ابو جعفر (١٣٨٧). المبسوط في فقه الاماميه، ج ٢، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- [١٤]. فيض، كاشاني (١٣٨٣). المحجّه البيضاء، ج ٥، قم، جامعه المدرسين.
- [١٥]. ليثي واسطی، علي بن محمد (١٣٧٦ش). عيون الحكم و المواعظ، ج ١، قم، مؤسسه علمي فرهنگي دار الحديث.
- [١٦]. مجلسي، محمدباقر (١٤٠٣). بحار الانوار، ج ١٢، ج ٧٧، بيروت: دارالإحياء التراث.
- [١٧]. محمدی ری شهری، محمد (١٣٨٦). ميزان الحكمه، ج ٨، ج ٩، ج ١٠، قم، مؤسسه علمي فرهنگي دار الحديث.
- [١٨]. معين، محمد (١٣٨٨). فرهنگ معين، ج ١، تهران، انتشارات فرهنگ ماه.
- [١٩]. مقدسي، ابن قدامه (١٣٨٨). المغني، مكتبة القاهرة.
- [٢٠]. نجفی، محمدحسن بن باقر (١٣٦٢). جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ٢٣، قم، بيروت.